

تحلیلی بر چگونگی سکنی‌گزینی دانشجویان در مکان‌های خوابگاهی با رویکرد پدیدارشناسانه

محمد مهدی سروش*، سنبل حاتمی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۳/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۵/۲۳

چکیده

این مقاله به بررسی وضعیت خوابگاه‌های دانشجویی، به عنوان سکونتگاه موقت طبق مؤلفه‌های سکنی‌گزینی در پدیدارشناسانه و معماری اسلامی می‌پردازد. در گام نخست، با مطالعه و گردآوری مقالاتی با موضوعات و اهداف مربوط به سکنی‌گزینی و بررسی ساختار اقامتگاه‌های دانشجویی پرداخته شده؛ چرا که در معماری سنتی ایران وجود بناهای ارزنده‌ای همچون مسجد- مدرسه آقابرگ و دیگر بناهای به‌جامانده از گذشته، سکنی‌گزینی طلاب در مکتب‌خانه‌ها را برای مدتهای طولانی به دور از خانواده تأیید می‌کند. گام دوم مورد مطالعاتی، با مؤلفه‌هایی سکنی‌گزینی و اقامتگاه‌های موقت به دست آمد، از تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. هدف تحقیق بررسی وضع موجود خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه آزاد همدان است و با کمک دانشجویانی که در خوابگاه‌ها اقامت دارند، مشکلات شناسایی شده است. برای این منظور، پرسشنامه‌ای با هدف بررسی وضع موجود و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مذکور تهیه و میان دانشجویان به اشتراک گذاشته شد؛ و سپس نتایج حاصل با روش معادلات ساختاری تحلیل شده است. روش تحقیق پژوهش کمی - کیفی و تحلیل محتوا بوده و با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شده است.

واژگان کلیدی

سکنی‌گزینی، اقامتگاه موقت، پدیدارشناسی، معماری اسلامی، خوابگاه دانشجویی.

Soroush@iauh.ac.ir

* استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

** سنبل حاتمی، دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشکده آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Sonbolhatami8181@gmail.com

مقدمه

سکنی گزینی یا بودن انسان در زمین و برقراری ارتباط با محیط اطراف، نوعی درک و نگاه صحیح به جهان است. درک چپستی سکونت و چگونگی آن در کیفیت زندگی افراد و ایجاد حس مکان یکی از عوامل مهم بوده که امروزه در بناهای خوابگاهی کمترین میزان توجه را به آن داشته و ماحصل آن بناهایی همسان و به دور از شرایط محیطی و اقلیمی و ماشین گونه بوده که در همه شهرهای ایران با ساختارهای مشابه به وجود آمدند. رویکرد پدیدارشناسی اساساً به حضور انسان در جهان و نحوه این حضور تمرکز دارد و شرط تبدیل فضا به مکان را حضور انسان می‌داند. بودن فرد در مکان و میزان درک و ارتباط وی با این پدیده، به وجود آورنده حس مکان و ماندگاری مکان در ناخودآگاه فرد می‌شود. این نکته اساسی‌ترین ویژگی معماری سنتی ایران بوده و از همین روست که بناهای قدیمی همچنان مخاطبین خود را حفظ کرده و حضور در این بناها برای افراد خوشایند است. استفاده از بهترین و مناسبترین شیوه‌های ساخت، بهره‌گیری از بهترین مصالح، درک و شناخت درست از محیط اطراف و به‌کارگیری این شناخت در غالب بهترین دخالت ممکن سبب به وجود آمدن بناهایی بی‌نظیر و ماندگار شده است. معماران سنتی علاوه بر مهم شمردن بناها و ارج دادن به تلاش خود، به درکی عمیق و صحیح از جایگاه انسان در زمین به عنوان اشرف مخلوقات پی برده و برای حضور وی در مکانها به ساخت سکونتگاه و نه اقامتگاه می‌پرداختند. خانه نخستین جایی است که انسان در آن، جا می‌گیرد و به آرامش می‌رسد (فرد در خانه سکونت می‌کند). معمار ایرانی با دریافت وجوه مختلف حضور بشر، پس از توجه به کالبد بنا که جسم عینی انسان را دربرمیگیرد، به روح بنا نیز نظر افکند زیرا می‌دانست پس از آرامش جسم باید روح نیز در آرامش بوده تا مکان برایش مانگار و قابل سکنی گزینی باشد. از این رو با استفاده از شیوه‌های گوناگون هنر، به کالبد بناها روح دمید تا جلوه‌های پایدار عالم خیال را به نمایش بگذارد و روح انسان را نیز تسخیر کند. بدین صورت سکنی گزینی در والاترین درجه به حضور درآمد و افسوس که در گذشته معماری ایران دفن شد. این مقاله برآن است تا با توجه و استفاده از اصول این دو رویکرد در معماری وضعیت کنونی خوابگاه‌ها را بررسی کرده و ضمن مشخص کردن مشکلات معمول به ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود حضور و رسیدن به درجه سکنی گزینی این مکانها تلاش کند. سوالات تحقیق عبارتند از: چگونه می‌توان یک خوابگاه دانشجویی طبق معیارهای سکنی گزینی در رویکرد پدیدارشناسی طراحی کرد؟ با توجه به کیفیت فضاهای مدارس دینی در گذشته چگونه می‌توان کیفیت فضایی را در خوابگاه‌های امروزی بالا برد؟ چگونه می‌توان با توجه به نیازهای انسان امروزی (دانشجویان) به حس تعلق جهت سکنی گزینی، خوابگاه‌هایی با کیفیت بالای فضایی طراحی کرد؟ با توجه به معیارها و شاخصه‌های سکنی گزینی چگونه می‌توان خوابگاه‌هایی متناسب با فعالیت‌های دانشجویی ساخت؟

پیشینه تحقیق

خوابگاه‌های دانشجویی و مسائل پیرامون آن همواره یکی از مواردی است که زمینه تحقیق را برای پژوهشگران فراهم کرده است. در این میان افراد در زمینه‌های مختلفی این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این میان "محمدعلی نعمتی و مجتبی کرمی پور"، بررسی خود را در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه، جهت تبدیل به جوامع کوچک یادگیری پیش برده و در نهایت این پژوهش منتج شده بر چهار محور که در چالش‌های تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع یادگیری مؤثر واقع شده‌اند: (ساختاری/مدیریتی، فرهنگی/اجتماعی، علمی/حرفه‌ای، درون فردی) و در این پژوهش و به دست آمدن این محورها جنسیت و مقطع تحصیلی، تفاوت معناداری وجود نداشته است. در پژوهشی دیگر "محمدتقی نظریور و همکارانش" به بهبود کالبد سکونتگاه‌های دانشجویی در جهت افزایش اجتماع پذیری پرداخته و خوابگاه‌های دانشگاه حکیم سبزواری را به عنوان مورد مطالعاتی خود برگزیده است، وی با تمرکز بر اصلاح کالبد از طریق نحو فضا و ارتقای عوامل کالبدی و بهبود فاکتورهایی نظیر راه یابی، جهت گیری، دید مورد نیاز کاربر و خوانایی فضا، اجتماع پذیر شدن محیط‌های خوابگاهی را بررسی کرده است و در نهایت عنوان می‌کند که با استفاده از روش نحو فضا و بدون مداخله در سیستم سازه‌ای می‌توان موجبات ارتقای حضور و حرکت کاربران در فضا را فراهم آورد. "معصومه یعقوبی سنقرچی و غلامرضا اسلامی" در پژوهشی تحت عنوان خودشناسی؛ رهاورد تجربه سکنی گزینی در کلاس طراحی معماری " بالاترین وظیفه انسان را شناخت خویشتن می‌داند که از این طریق می‌تواند به شناخت خداوند نیز نائل می‌آید. وی در این پژوهش ابتدا با روش استدلال استقرایی به ارائه راهکارهای طراحی و سپس به تجربه عملی راهکار نظری اقدام می‌کند، تجربه عملی و تحلیل پدیدارشناسانه آن، به نتایج ارزشمندی دست می‌یابد؛ نتایج نشان دهنده این حقیقت است که شناخت خویش یک جریان ناخودآگاه است و با ساختن سکنی گزینی رابطه‌ای مستقیم دارد. "محمدتقی نظریور" در پایان نامه دکتری خود تحت عنوان: سکنی گزینی دانشجویان...؛ با تأکید بر تأثیر فضای کالبدی خوابگاه دانشجویی بر سلامت عمومی آنها، به این نتیجه می‌رسد که متوسط متغیر سلامتی بر حسب مدت سکونت در بعضی از خوابگاه‌های دانشجویی تفاوت معناداری دارد و با افزایش مدت سکونت، از میزان سلامت

دانشجویان در مؤلفه‌های نشانه‌های جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی و اختلال در کارکرد اجتماعی کاهش می‌یابد. تأمین عرصه‌های اجتماعی نقش موثری در سلامت عمومی دانشجویان در خوابگاه‌ها ایفا می‌کند. "محمدجواد صافیان و مائده انصاری" در زمینه پدیدارشناسی و در مقاله بررسی شرایط امکان تحقق حقیقت مکان و سکنی‌گزینی؛ عنوان می‌کند که معماری به واسطه ساختن، خصوصیات یک محیط را عینی می‌سازد و فضای خالی را به مکانی غنی برای رسیدن به هدفی به نام سکنی‌گزیدن تبدیل می‌کند. این موضوع بی‌شک یکی از گمشده‌های معماری بکار رفته در ساختار خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه‌های امروزی می‌باشد. در خصوص خوابگاه‌ها پژوهش‌های دیگری نیز صورت گرفته است؛ "فهمیه معتضدیان و قاسم مطلبی" مقاله‌ای تحت عنوان قلمروپایی در سکونتگاه‌های دانشجویی ارائه داده‌اند که اهمیت خلوت‌گزینی را در محیط‌های خوابگاهی مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. "سپیده علاقمند و همکارانش" نیز در مقاله‌ای تطبیقی به مطالعه و بررسی معماری و محتوای مکانهای آموزشی ایران را از دوره سنتی تا نوین پرداخته و در نتایج خود به این موضوع اشاره می‌کند که تا میانه دوره قاجار مدارس ایران دارای حجره جهت اقامت دانشجویان و نزدیک بودن محل زندگی و آموزش آنها و کیفیت آموزش اشاره می‌کند. پژوهش‌های پیشین در زمینه مشترک با پژوهش حاضر بسیار بوده و در این بخش به تعدادی از آنها اشاره شد اما از بیشتر مقالات در ادبیات تحقیق و شکلگیری این پژوهش استفاده شده است.

بنیان نظری تحقیق

انسان برای زندگی نیاز دارد تا مکانی را برای خود به عنوان سرپناه تعیین نماید، انسان‌های نخستین سرپناه را بیشتر از جنبه حفظ بقا و ایجاد امنیت از عوامل محیطی تأمین می‌کردند. رفته رفته نیاز به برقرار ارتباط با محیط زندگی برای آنان بروز کرده و افراد در پی ایجاد مکانی برای زندگی خود بودند که علاوه بر تأمین سرپناه بتواند نیازهای زیباشناختی آنها را نیز تأمین کند؛ و بدین ترتیب بود که انسان با دخالت در محیط اطرافش توانست برداشتش از جهان را با نحوه دخالتش عنوان کند. این گونه بیان احساسات نسبت به محیط زندگی در واقع به چگونگی حضور فرد نیز اشاراتی داشت و هرچه برداشت فرد از محیط زندگی عمیق و کامل‌تر می‌شد دخالت وی نیز در محیط با تکامل بیشتری همراه بود. در این مقاله و با توجه به موضوع - سکنی‌گزینی در خوابگاه‌های دانشجویی - ابتدا به مباحث پدیدارشناسی و سکنی‌گزینی و سپس به بررسی وضعیت مکان‌های آموزشی سنتی و مدارس سنتی ایران و کشف مؤلفه‌های تاثیرگذار در معماری این بناها پرداخته خواهد شد. پدیدارشناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنها با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آنها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی. در نگاه دیگر اگر پدیدارشناسی را معناشناسی بدانیم، معنایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند، یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. این نظام معنایی با اضافه نمودن وجود به زمان و مکان به دست می‌آید و شناسایی این نظام معنایی نیز از همین راه حاصل می‌شود؛ یعنی یک شناخت مضاعف به زمان و مکان که آن را «تجربه زندگی» می‌نامند. پدیدارشناسی، اساساً مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. پدیدارشناسی به جهان، آنچنان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، توجه دارد؛ نه جهان یا واقعیتی یا چیزی که جدای از انسان باشد. لذا این پرسش را مطرح می‌سازد که "تجربه زیسته چه نوع تجربه‌ای است؟" زیرا پدیدارشناسی می‌کوشد معانی را آنچنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، آشکار نماید. (سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

پدیدارشناسی به عنوان یکی از روش‌شناسی‌های کیفی، در انتقاد از روش‌شناسی‌های کمی تجربی و در تقابل با ایده اشتراک روش در علوم طبیعی و انسانی شکل گرفته و قرین دیگر روش‌شناسی‌های کیفی، سعی در تشریح و تفسیر و خوانش دوباره سوژه و ابژه و ارتباط میان این دو دارد. پس پیش - شرط اصلی بحث از آن (روش‌شناسی پدیدارشناسانه)، بررسی ماهیت سوژه و ابژه، بنیان معرفت‌شناختی و گرایش هستی‌شناختی آن است. (عبداللهی و جوان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸) پدیدارشناسی به طور مشخص به موضوع حضور انسان و چگونگی این حضور اشاره دارد و بر این اساس به درک فرد از محیط اطراف برای بهبود شرایط سکونت خود، اهمیت ویژه‌ای را قائل است.

"مفهوم سکونت یا بودن انسان در زمین و محیط، متناسب با آن پاسخ‌های معمارانه گوناگونی است که در اندیشه سنتی و مدرن داشته است." (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۵) تحولات شناختی پایان هزاره دوم و تغییر مفهوم چگونگی حضور انسان در زمین منجر به بازاندیشی مسئله و مفهوم سکونت در اندیشه و معماری مدرن شد. این تغییر گستره‌ای از وجوه کیفی در خصوص چگونگی حضور و سلطه‌گزینی انسان و ساختن محیطی متناسب با آن را پیش کشید.

هایدگر از منظر پدیدارشناسی خاص خود به مفهوم سکونت روی آورد. "در خطابه ساختن، سکنی‌گزیدن، اندیشیدن با بررسی معانی سکونت و بودن انسان در زمین لغت آلمانی *wohnen* (سکنی‌گزینی) و دلالت‌های مختلف آن چون هستن - بودن در آرامش را کنار ماندن - اقامت‌گزیدن و ساختن را در زبانهای لاتین بررسی کرد". (همان، ۱۳۹۲، ص ۶)

"در اندیشه پدیدارشناسی، انسان با سکنی گزینی به حقیقت وجود نائل می‌شود. سکنی گزینی با ساختن همراه است...، سکنی گزینی به معنای در آرامش قرار گرفتن است. حفظ کردن، معنای رهایی بخشیدن چیزی از خطر نیست؛ حفظ کردن به معنای رها ساختن چیزی برای حضور داشتن خود آن است." (سنقرچی و اسلامی، ۹۶)

"ظاهراً پس از سکونت آدمی در جنت و نافرمانی ایشان همگی به فرارگاهی پرمشقت و ناامن برای زندگی مرگ و خروج از آن هبوط کردند. خداوند دلیل بیرون شدن آدمی از درون آن سکونتگاه را فراموشی عهد و میثاق بندگی با خود ذکر می‌کند... خاستگاه و غایت تلقی سنت و مدرن از مفهوم سکونت بسیار متفاوت است، اما همه انسانها با هر نوع تلقی و با وجود اختلاف مراتب و روش در پی سکونت و آرامش راستین‌اند. از آنجا که خاستگاه سکونت اساساً مقوله‌ای درونی و متعلق به نفس یا ذهن انسان است. تنها محیطی از جنس و متناسب با آن می‌تواند زمینه بیرونی سکونت را فراهم کند؛ زیرا پیوند با عالم مثال، ملکوت، نفس و تجربه‌اعلی، همانطور که ادیان مختلف و روان‌شناسانی چون یونگ نشان داده‌اند امری ذاتی برای انسان‌ها و بی‌زمان و مکان است." (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۹)

در میان عرصه‌های حضور و زیستن انسان، مسکن بیش از سایرین با زندگی انسان درآمیخته است. پس مسکن نخستین جایی است که انسان احساس تعلق به فضا را در آن تجربه می‌کند. چنین قرابتی با زندگی انسان موجب می‌شود که مسکن -شی بی‌جان- و محصولی تمام شده تلقی نشود، بلکه فرآیندی باشد که در طول زمان و در حالات مختلف با تمامی ابعاد وجودی انسان درآمیزد، رشد کند و شخصیت یابد. در صورت بروز چنین رابطه‌ای عمیق و پویا بین ساکنان و مسکن؛ مسکن گزینی به معنای حقیقی خود یعنی جایی که انسان خود را بدان متعلق می‌داند محقق می‌شود. "رویکرد پدیدارشناسی با توصیف مکان به منزله یک کلیت کیفی به لایه‌های عمیق‌تر پیوند انسان و مکان اشاره می‌کند. مفهوم سکونت در واقع پاسخی معمارانه و گوناگون در اندیشه سنت و مدرن است. از نگاه پدیدارشناسی انسان وجود دارد تا حقیقت وجود را دریابد و انسان با سکنا گزینی به حقیقت وجود، دست می‌یابد. سکنا گزینی با ساختن همراه است. ساختن تنها یک وسیله و یک راه برای سکونت نیست، ساختن به خودی خود و پیش از هر چیز سکونت کردن است." (سنقرچی و اسلامی، ۹۶)

سکنی گزینی با ساختن همراه است، اما ساختن قطعاً سکنی گزینی را به همراه نخواهد داشت. سکنی گزینی امریست که در آن فرد باید قادر باشد تا محیط را همچون خانه خود درک کرده و از بودن در مکان احساس آرامش کند. سکونت خصوصیت اصلی و اساسی موجودیت و هستی است، "هایدگر معتقد است که کیفیت سکنی گزیدن با کیفیت ساختن رابطه مستقیمی دارد و ساختمان‌های برجسته و تاثیرگذار از محافظتی ناب برمی‌خیزند. محیط ساخته شده در واقع انعکاس نحوه در-جهان بودن آدمی و دریافت او از جهان است. سکنا گزیدن تنها به عنوان یک بعد از ابعاد فضای وجودی مطرح نیست بلکه کنشی اساسی برای انسان است؛ که در پرتو آن مکان و فضا در ذات خود آشکار می‌شوند و این آشکارگی کارکرد دیگر سکنا گزیدن است." (صافیان و انصاری، ۹۳)

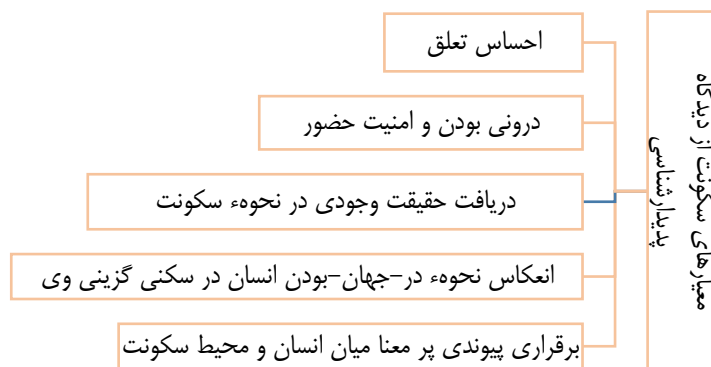
سکنی گزینی مفهومی فراتر از داشتن یک سرپناه است، این مقوله از منظر پدیدارشناسی نه تنها به منزله برقراری ارتباط با دیگران است بلکه ارتباط با خانه را نیز در بر می‌گیرد. در فرهنگ ایرانی خانه همواره محلی برای ظهور و شکل‌گیری خانواده محسوب می‌شود. در اسلام همواره به خانه به دید یکی از نیازهای اساسی انسان توجه و از آن به مانند مکانی برای رسیدن به آرامش یاد شده است. هایدگر در مقاله ساختن، سکونت گزیدن و اندیشیدن با استدلال‌های زبانشناختی تاکید می‌کند که "من هستم یعنی من سکونت دارم" و (انسان بودن یعنی همچون میرنده‌هایی بر روی زمین) بودن، یعنی سکونت داشتن. او، بودن و حضور داشتن در جایی را متفاوت از سکونت داشتن در آن دانسته و تاکید می‌کند که در هر مسکن سکونت گزیدن روی نمی‌دهد؛ بنابراین سکونت کیفیتی است که انسان تنها از طریق ساختن به آن دست می‌یابد ولی نه هر ساختنی و نه حضوری. او بر همین اساس از دو گونه حضور در فضا یاد می‌کند: "اقامت و سکونت"؛ هر دوی اینها اگر چه نوعی جای گرفتن در فضا هستند، ولی هایدگر معتقد است که تفاوتی بنیادین بین آنها وجود دارد اقامت زمانی اتفاق می‌افتد که انسان در فضاهای دیگری چون محل کار قرار دارد.

مفهوم سکونت را به عنوان مفهومی عام برای هر نوع فضای مسکونی به کار نمی‌برد بلکه نوع و کیفیت خاصی از سکونت را مد نظر دارد. بنابراین سکونت از نظر هایدگر فرآیندی است که آدمی در جریان آن مکان را تبدیل به خانه کرده و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی "خدا، خود، آسمان و زمین" به برقراری هماهنگی می‌پردازد، به عبارت دیگر سکونت از نظر او سقفی را سایه بان قرار دادن یا چند متر مربع زمین را زیر پا گرفتن نیست و مفهومی فراتر از این‌هاست. در واقع برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است. (صافیان و انصاری، ۹۳)

مؤلفه‌های: احساس تعلق، درونی بودن و امنیت حضور، دریافت حقیقت وجودی در نحوه سکونت، انعکاس نحوه در-جهان بودن انسان در سکنی گزینی وی، برقراری پیوندی پرمعنا میان انسان و محیط سکونت؛ اساسی‌ترین مؤلفه‌های موجود در شکلگیری یک سکونتگاه در رویکرد پدیدارشناسی است. چنانچه مکانی فاقد این مؤلفه‌ها باشد، مکانی جهت اقامت بوده و کیفیتهای لازم برای سکنی گزینی را دارا نیست.

حضور انسان در یک مکان با کیفیت سکنی‌گزینی سبب بروز حس در خانه بودن و ایجاد ارتباط عمیق وی با مکان می‌شود، همین امر نیز ضامن حضور پیوسته افراد در مکان شده و به پویایی و سرزندگی و فعال بودن مکان می‌انجامد. اگر ماهیت وجودی سکونت و هدف معماری را از سکنی‌گزینی قرار دهیم، می‌توان گفت که انسان وقتی سکنی می‌گزیند که بتواند خود را با یک محیط تطبیق داده و با آن هم ذات‌پنداری کند، سکونت بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. از این رو سکنی‌گزینی به منزله چیزی بیش از سرپناه (قرارگرفتن سقفی بر بالای سرو به زیرپا آمدن چند متر مربعی زمین) به کار آمده است.

دیاگرام ۱: مؤلفه‌های سکنی‌گزینی در پدیدارشناسی. استخراج شده پژوهش‌های پیشین توسط نگارنده.



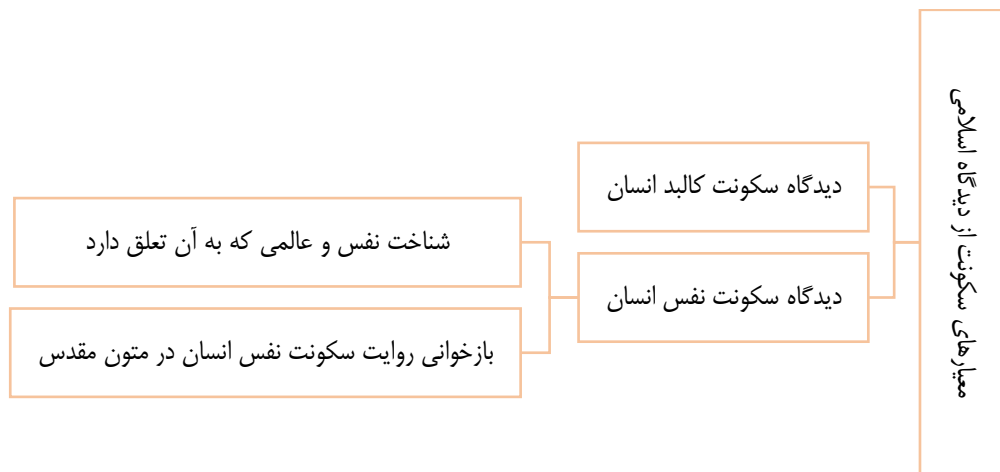
خانه در معماری ایرانی اولین مکانی ایست که فرد از لحظه تولد در آن زیستش را آغاز می‌کند و به شناخت جهان برمیخیزد. ساختن خانه‌ها در معماری ایران علاوه بر ایجاد سرپناه به حفظ و ارتقای درجات روحی فرد نیز تمرکز دارد. سازندگان بناها با به‌کارگیری بهترین شیوه‌های ساخت و مصالح مرغوب بهترین و زیباترین جنبه‌های ساختاری بنا را به نمایش می‌گذاشتند. به بیان بهتر آنان به ساخت سکونتگاه‌هایی برآمده از آیات نورانی و تصورات ذهنی انسان خاکی از سراهای مملو از آرامش وعده شده در بهشت، می‌پرداختند چنانکه روح افراد در مواجهه و زیستن در این بناها مراحل تعالی را سپری کرده و در خشت برخاسته از زمین، تجلی نور الهی را می‌دیدند. زیستن با چنین کیفیتی برای افراد همراه با ماندگاری و جاودانی بوده است. این کیفیت در ساخت در تمام بناهای سنتی ایران وجود داشته و تنیده شدن اجزای ساختمان در برداشته‌های صحیح و پاسخ‌های معمارانه به محیط اطراف عوامل مهم در شکلگیری این تصاویر ماندگار از معماری شده است. مدارس اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و اوج هنر معماری را در پیکره این بناها می‌توان مشاهده کرد. وجود مدرس خانه و اقامتگاه برای طلاب از مزایای بزرگ این مدارس بوده که چند جنبه بنیادین را دربرمیگرفته است: زیستن افراد در محل تحصیل و فراهم کردن امکان اقامت برای افراد از فواصل دور، فراهم کردن شرایطی مناسب برای افراد جهت تعامل با طلاب دیگر در ساعات خارج از آموزش، دست‌یابی طلاب به دیگر علوم و کسب اطلاع از دیگر علوم با قرارگیری در حلقه‌های آموزش، آنچه در این بناها بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، نحوه ساخت بنا و میزان احساس آرامش برای طلاب بوده که افراد می‌توانستند مدت زمان طولانی را در این بناها سپری کرده و به کسب علم پردازند. با بررسی بناهای به جا مانده از گذشته این امر مشخص می‌شود که برای انسانهایی با روح متعالی آن روزگار باید بناهایی با قابلیت القای آرامش و حس سکنی‌گزینی در کار باشد تا بتواند ظرف مناسبی برای حضور مؤثر آن افراد باشد.

"سکونت از ریشه عربی (سکن) به معنی اصلی آرام و قرارگرفتن بعد از حرکت (اضطراب)، آرامش (باطن و خاطر) و انس آمده است." (قرشی، ۷۱) "همچنین گفته‌اند: (السکینه و السکن) در معنی یکسان است و آن از بین رفتن رعب و ترس است." (راغب اصفهانی، ۷۴)

"مفهوم آرامش در عین کاربرد روزمره و آشنایی که نزد همگان دارد، مفهومی چند لایه با تعاریف و دلالت‌های مختلف است. سکونت و آرامش در انس و پیوند انسان با چیزی یا جایی معنا می‌یابد. به بیان دیگر، سکونت انسان به معنای هر آن چیزی است که انسان و در حقیقت، نفس او با آن تعلق و آرامش می‌یابد." (طاهری، ۹۲)

"در اندیشه اسلامی سکونت از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد: (طاهری، ۹۲)

دیاگرام ۲: معیارهای سکنی‌گزینی در معماری اسلامی. استخراج شده از پژوهش‌های پیشین توسط نگارنده.



شناخت نفس یکی از دشوارترین مباحث در اندیشه اسلامی بوده است. نفس انسان در قرآن به معنی خود شخص یا روح انسان است. سکونت با تعلق که با نفس انسان دارد، اساساً مفهومی درونی است. این موضوع به روشنی دلالت بر تعلق خانه، آدمی و درون به یکدیگر دارد. روح در کالبد فرد سکنی می‌گزیند و کالبد فرد در ساخته‌هایش سکنی می‌گزیند. انسانی که در پی آرامش و کسب تعالی روح باشد می‌تواند محیط زندگی خود را به راهی برای تعالی جسم و روح کند. قرارگیری دیوار و کف و سقف در بنا، نحوه قرارگیری این عناصر در کنار یکدیگر و ترکیب آنها با دیگر عناصر مهم‌ترین تأثیر را در کیفیت زندگی افراد داشته است. این امر از خانه‌ها تا مساجد و مدارس و کاخ‌ها و کوشک‌ها کشیده شده و حتی در فضاهای خدماتی بازارها و حمام‌ها نیز دیده می‌شده است. امروزه اما حضور دیدگاه‌های مدرن و خوانش‌های سطحی از این رویکردها آسیب جبران‌ناپذیری به پیکره معماری اسلامی ایران وارد کرده است. معماری امروز و ساخته‌های دست بشر دیگر نه تنها محل رشد و تعالی جسم و روح نیست بلکه خود به وجود آورنده مشکلاتی نیز برای ساکنان شده‌اند. از خانه‌ها گرفته که فقط جهت اقامت و گذران زندگی شده تا فضاهای شهری و ساختمان‌های بی کیفیت مدرن (بی کیفیت از جنبه احساس تعلق و هویت و حس مکان). یکی از این مکان‌ها که در اوج بی‌اعتنایی ساخته شده و متأسفانه بیشترین کاربران این مکان‌ها نیز افراد جوان و در سن رشد است خوابگاه‌های دانشجویی می‌باشد. دانشجویان در سنین مختلف در این ساختمان‌ها برای سال‌های متمادی حضور داشته و در این میان در اثر کیفیت ضعیف این بناها به لحاظ ساخت و حس مکانی دچار آسیب‌های جدی و پنهان روحی و روانی می‌شوند.

"خوابگاه محیط زیستی است که اکثر دانشجویان آن را تجربه می‌کند. بودن در خوابگاه علاوه بر اینکه به معنی دوری از خانواده و شبکه روابط قبلی فرد است، ممکن است محیط خوابگاه مشکلاتی را نیز برای فرد به وجود داشته باشد و گاه این امکان پیش می‌آید که این محیط سبب انحرافات در رشته‌های اخلاقی فرد ایجاد کند. خوابگاه‌ها می‌توانند ارتقا دهنده فعالیت‌هایی همچون مشارکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌های دانشگاهی، حمایت‌های اجتماعی، روانی و مالی باشد." (بهزاد، ۸۴)

خوابگاه‌ها به مثابه نماد کوچکی از یک جامعه مدرن محسوب می‌شود فضای خوابگاه باید برای انجام فعالیت‌های مختلف اجتماعی ایده‌آل باشد تا دانشجویان مایل به بازگشت به محیط خوابگاه باشند. "ویژگی‌های خوابگاه‌های ایده‌آل اجرای برنامه‌های شاد و مثبت، انگیزش دانشجویان، اجرای برنامه‌های تفریحی متناسب با نیازهای دانشجویان و...، ایجاد شرایطی که منجر به احساس راحتی دانشجویان باشد مانند خانه بودن." (نعمتی و کرمی پور، ۹۳)

"بیش از نیمی از دانشجویان خوابگاهی از نحوه گذران اوقات فراغت خود ناراضی بوده و مهم‌ترین دلیل نارضایتی آنها محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات مالی بوده است. شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنها از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، میزان پایبندی دینی و میزان برنامه‌ریزی برای فراغت بستگی دارد. گذران فراغت در فضای بسته خوابگاه‌ها می‌تواند عمدتاً غیر قابل کنترل و آسیب‌زا باشد." (سعیدی، ۸۷)

"کالبد این سکونتگاه‌ها باید از پتانسیل‌های لازم جهت جذب و تعاملات اجتماعی دانشجویان برخوردار باشد." (نظریور و همکارانش، ۹۴)

"در حال حاضر در کشور ما بخش اندکی از نیازهای ساده و اولیه را در خوابگاهها برآورده می‌سازد و صرفاً این مکان‌ها محل استراحت است. در کشورهای دیگر و دانشگاه‌های معتبر جهان ابزاری برای رشد دانشجویان محسوب می‌شود و با ایجاد محیطی مناسب تاکید می‌کند که فرد بتواند فرصت بیشتری به یادگیری تحقیق و پژوهش اختصاص دهد". (نعمتی و کرمی پور، ۹۳)

"از جنبه یادگیری نیز رشد دانشجویانی که در خوابگاه‌ها سکونت دارند نسبت به افرادی که خارج از این گونه جوامع به کسب علم مشغول آن بیشتر است". (محمودی راد و همکارانش، ۸۳)

"دانشجویانی که در خوابگاه هستند عملکرد تحصیلی بهتری دارند نسبت به دانشجویانی که در خانواده هستند زیرا می‌توانند در به وجود آمدن حلقه‌های گردش علم فعالیت داشته باشد". (مسعودی و همکاران، ۸۵)

"یکی از جالبترین نقش‌هایی که یک فضای مناسب خوابگاهی ایفا می‌کند، در کنار هم قرار دادن، تعامل و تقابل مثبت فرهنگهای گوناگون و قشرهای مختلف جامعه است. در خوابگاه معمولاً دانشجویانی با هم، هم اتاق می‌شوند که ممکن است کاملاً غریبه باشند. نقشی که اگر به درستی سازماندهی شود، آثار بسیار مثبتی به همراه خواهد داشت. امروزه که بر طبق ضرورت‌های اجتماعی، بسیاری از جوانان در این مراکز تحصیل می‌کنند، ضروری است که بیش از گذشته به موضوع خوابگاه رسیدگی شود تا به عنوان بخشی از نهاد دانشگاهی، محلی برای تربیت و پرورش نیروهای توانای آینده نقش خویش را به خوبی ایفا کند". (نظریور، ۹۲)

"رویکرد بینا فرهنگی بیشتر بر "تغییر و تکامل فرهنگی" بین گروه‌های مختلف استوار است. خوابگاه‌های دانشجویی در کشورهای اسلامی سبب گرد آمدن افراد از فرهنگ‌های مختلف با آداب و رسوم مختلف و شیوه‌های متفاوت زندگی و فرهنگی است که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. ویژگی‌های مطلوب این مراکز باید جوابگوی نیازهای فردی باشد و همچنین حامی تعاملات بین دانشجویان در بستری جدید باشد؛ و ارتباطات بین آنها را تقویت کند". (قبیدیان و کامل‌نیا، ۹۵)

ایجاد قلمرو نقشی اساسی در کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های دانشجویی دارد. امروزه در کشورهای غربی کلمه خوابگاه دیگر استفاده نمی‌شود و به جای آن واژه سکونتگاه دانشجویی به کار می‌رود. خوابگاه جزئی از مجموعه بزرگتر دانشگاه محسوب می‌شود، کلمه خوابگاه فضایی برای خواب و مسائلی از قبیل خاموشی شبانه را به یاد می‌آورد، در صورتی که عملکرد خوابگاه تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از عملکردهای زندگی دانشجو را تشکیل می‌دهد. زندگی چند ساله در این سکونتگاه‌ها می‌تواند تأثیرات روانی نامطلوبی را در کوتاه مدت یا دراز مدت بر آنها داشته باشد. (معتضدیان و مطلبی، ۹۳)

اگر ماهیت وجودی سکونت و هدف از معماری را سکنی‌گزینی قرار دهیم، می‌توان گفت که انسان وقتی سکنی می‌گزیند که بتواند خود را با یک محیط تطبیق داده و با آن هم ذات‌پنداری کند، سکونت بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. (نظریور، ۹۲)

در صورتیکه سکونتگاه‌های دانشجویی مطابق با استانداردها و رفتارهای دانشجویان طراحی نشود نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای آنها باشد. به ناچار مجبور خواهند شد با سازوکارهایی درصدد حفظ قلمرو و ایجاد خلوت مطلوب خود برآیند این تلاش اگر بیش از میزان دلخواه برای شخصی سازی و تعریف قلمرو طبق نیازهای زیبایی‌شناختی باشد مستلزم صرف انرژی زیادی است که بر کیفیت زندگی و روحیه افراد در کوتاه مدت یا دراز مدت تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت. (معتضدیان و مطلبی، ۹۳)

فضاهای آموزشی در ایران در واقع شامل مکتب خانه و مدرسه بوده است. مدرسه را به طور خلاصه می‌توان موسسه‌ای برای آموزش عالی تعریف کرد که در آن علوم سنتی اسلامی - حدیث، تفسیر فقه و جز آن - آموزش داده می‌شود. مدرسه، پاسخی به نیازهای معینی از جامعه اسلامی بود. با توسعه آموزش و ساخت مدارس برای آموزش، عناصر دیگری به این فضای آموزشی اضافه شد. (علاقمند و صالحی، ۹۶)

مدارس علوم دینی از بناهای مهم معماری دوره اسلامی ایران است، شروع این مدارس با شکل‌گیری نظامیه‌ها در دوره سلجوقی بوده و تا دوره قاجار نیز ادامه داشته است. اوج توجه به این بناها در دوره قاجار مدرسه دارالفنون از مسجد مدرسه‌های دوره قاجار چندان پیرو الگوی معماری مشخصی نیستند در حالی که مدارس دوره صفویه عمدتاً از الگوی معماری خاص دو ایوانی و چهار ایوانی تبعیت می‌کنند. معماری مدارس و مساجد دوره قاجار نسبت به مدارس دوره صفویه دارای پیچیدگی و تنوع فضایی بیشتری می‌باشد که همین امر باعث کاهش تعداد حجره‌ها در مدارس دوره قاجار نیز می‌گردد.

از دوره قاجار مسجد مدرسه‌های سپهسالار جدید شهید مطهری - سپهسالار قدیم بهشتی - فیلسوف الدوله - حاج قنبرعلی خان مشیر - و سلطنت معمارباشی - سردار صالحیه قزوین - سید اصفهان - آقا بزرگ کاشان به جا ماندند. دوره صفویه جده بزرگ - جلالیه - چهارباغ - کاسه گران ملاعبدالله - نیم آورد اصفهان - و حکیم شیراز - نواب مشهد به جا مانده است.

دیاگرام ۳: ویژگی‌های معماری مدارس دینی. استخراج شده از پژوهش‌های پیشین توسط نگارنده.



در انتهای بررسی مطالب و مرور متون پیشین، مؤلفه‌هایی در معماری اسلامی دست آمده که با استفاده از این مؤلفه‌ها به بررسی وضعیت خوابگاه‌های دانشگاه آزاد اسلامی همدان پرداخته شده است. این خوابگاه‌ها به صورت چهار بلوک روبروی هم ساخته شده و هر کدام متشکل از ۳ طبقه و هر طبقه دارای شش سوئیت، ۲،۳ و ۴ خوابه به همراه سرویس بهداشتی و آشپزخانه برای هر سوئیت و یک سرویس بهداشتی عمومی در انتهای سالن هستند. بناها عمر چندانی نداشته اما در جلب رضایت کاربران بسیار ضعیف هستند. نحوه قرارگیری ساختمان‌ها به صورت شمالی- جنوبی بوده و همواره گروهی از اتاق‌ها دارای نور و تابش آفتاب و دیگر اتاق‌ها از نور شمال به صورت یکنواخت بهره می‌برند. به دلیل قرارگیری نادرست و رعایت نشدن فاصله مناسب از دیگر ساختمانها اقدام به پوشاندن سطح پنجره‌ها با شیشه‌های مشجر در فاصله ۲۰ سانتیمتری از پنجره اصلی کرده‌اند که این امر سبب از بین رفتن سیرکولاسیون مناسب هوا در فضاهای داخلی شده، اتاق‌ها روبه نور و سالن نشیمن سوئیتها در نقطه‌ای کاملاً کور و بدون هیچگونه روزنه‌ای به بیرون قرار گرفته و همین باعث به وجود آمدن هوای نامناسب در نشیمن شده و تنها راه به وجود آوردن تهویه مختصر باز کردن درب سوئیت روبه راهرو بین اتاقها است که این راهرو نیز به دلیل تعویض پنجره‌ها و ثابت شدن قاب پنجره‌ها امکان تهویه از بیرون را ندارد. این ساختمان‌ها از نظر طراحی مشکلات بسیاری را برای افراد ساکن و کاربران این بناها به وجود می‌آورند. در این پژوهش با همکاری دانشجویان خوابگاه به تکمیل پرسشنامه‌هایی طراحی شده بر مبنای مؤلفه‌های به دست آمده از سکنی‌گزینی در رویکرد پدیدارشناسی و معماری اسلامی ایران پرداخته شد و داده‌های حاصل از این پرسشنامه‌ها به صورت زیر تحلیل و نتایج حاصل شد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی - کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه خواهد بود. این پژوهش براساس تحلیل محتوای پژوهش‌های پیشین و استفاده از نکات درج شده در آنها بوده، سپس به بررسی مفهوم سکنی‌گزینی از دیدگاه پدیدارشناسی و معماری اسلامی پرداخته خواهد شد که به، به دست آوردن نکات مهم در موضوع سکنی‌گزینی انسان در جهان پرداخته می‌شود. برای این منظور طبق مؤلفه‌ها پرسشنامه‌ای تهیه و میان افراد مقیم به اشتراک گذاشته شد. پرسشنامه با هدف بررسی وضع موجود و نیز در نظر گرفتن مؤلفه‌های مذکور تنظیم شده و سپس نتایج حاصل با روش معادلات ساختاری و استفاده از نرم افزار SmartPLS تحلیل شده است.

سنجش وضعیت شاخص‌های پژوهش آمارهای توصیفی

جدول ۴: ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری

ابعاد	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۲۴
	زن	۱۰۹
سن	کمتر از ۲۰ سال	۱۱
	۲۰ تا ۳۰	۹۳
	۳۰ تا ۴۰	۱۶
	۴۰ تا ۵۰	۸
وضعیت تأهل	متأهل	۳۵
	مجرد	۹۸
	دیپلم و زیر دیپلم	۴
تحصیلات	فوق دیپلم	۲۳
	لیسانس	۶۴
	فوق لیسانس	۲۶
	دکتری	۱۶
جمع	۱۳۳	۱۰۰

در ادامه میانگین مشاهده شده نمرات شاخص‌های پژوهش با میانگین مورد انتظار^۱، از طریق آزمون t تک نمونه‌ای پرداخته‌ایم تا مشخص گردد وضعیت این شاخص‌ها در مقایسه با متوسط جامعه چگونه است. آزمون t تک نمونه‌ای مشخص می‌کند که آیا میانگین مشاهده شده در مقایسه با میانگین مورد انتظار متفاوت است یا خیر.

جدول ۱: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین مشاهده شده شاخص‌های پژوهش با میانگین مورد انتظار

شاخص	مؤلفه	میانگین مشاهده شده	مقدار t	سطح معنی‌داری	وضعیت
کالبدی (فرمی - بصری)	جذابیت و زیبایی	۲/۲۲۱	-۹/۲۱۰	۰/۰۰۰	ضعیف
	تکنیک ساخت در بنا	۲/۴۲۴	-۷/۲۸۹	۰/۰۰۰	ضعیف
چشم انداز	فضای باز مجاور فضای داخل	۲/۱۲۳	-۱۱/۰۱۰	۰/۰۰۰	ضعیف
	انعکاس درک افراد از محیط در ساخت بنا	۲/۳۴۳	-۹/۱۹۴	۰/۰۰۰	ضعیف
	چگونگی در جهان بودن	۲/۱۱۰	-۱۲/۱۶۳	۰/۰۰۰	ضعیف
فعالیتی (جسمی)	ارتباط انسان و مکان	۲/۶۱۴	-۵/۲۹۴	۰/۰۰۰	ضعیف
	ارتباط درون و برون مکان	۱/۸۱۲	-۱۸/۳۴۳	۰/۰۰۰	ضعیف
	دسترسی آسان به فضای بیرون	۲/۲۲۶	-۹/۲۸۵	۰/۰۰۰	ضعیف
	قابلیت خلوت‌گزینی	۲/۵۸۹	-۵/۶۹۲	۰/۰۰۰	ضعیف
	ایمنی	۲/۱۱۳	۱/۳۵۳	۰/۱۷۸	متوسط

مقیاس انسانی	۲/۴۶۶	-۷/۹۴۲	۰/۰۰۰	ضعیف
احساس تعلق	۲/۵۰۹	-۵/۶۳۴	۰/۰۰۰	ضعیف
ادراکی (ذهنی)	۱۶/۲	-۱۱/۵۷۶	۰/۰۰۰	ضعیف
احساس امنیت ذهنی	۲/۹۸۷	-۰/۱۳۶	۰/۸۹۲	متوسط
سرزندگی و پویایی	۰۰۳۲	-۱۲/۶۴۶	۰/۰۰۰	ضعیف
سکنی گزینی	۲/۷۱	۳/۲۶۰	۰/۰۰۱	ضعیف

با توجه به میانگین پایینتر از ۳ و سطح معنی داری محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0.05$)، برای شاخص‌های جذابیت و زیبایی، تکنیک ساخت درینا، فضای باز مجاور فضای داخل، انعکاس درک افراد از محیط در ساخت بنا، چگونگی در جهان بودن، ارتباط انسان و مکان، ارتباط درون و برون مکان، دسترسی آسان به فضای بیرون، قابلیت خلوت گزینی، مقیاس انسانی، احساس تعلق، درک حقیقت وجودی، سرزندگی و پویایی و احساس در خانه بودن، تفاوت بین میانگین مشاهده شده و میانگین مورد انتظار معنی دار می‌باشد؛ بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان شاخص‌های ذکر شده در محدوده مورد مطالعه پایینتر از حد متوسط است. از طرفی با توجه به سطح معنی داری محاسبه شده بیشتر از ۰/۰۵ ($P > 0.05$)، برای شاخص‌های "ایمنی" و "ایجاد امنیت ذهنی" با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان شاخص‌های ذکر شده در محدوده مورد مطالعه در حد متوسط است.

برای تحلیل و سنجش مدل ساختاری پژوهش از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شد. مدل‌یابی معادلات ساختاری، مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای مکنون و متغیرهای آشکار است؛ به عبارت دیگر، مدل‌یابی معادلات ساختاری تکنیک آماری قدرتمندی است که مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) و مدل ساختاری را با یک آزمون آماری همزمان ترکیب می‌کند. از طریق این فنون پژوهشگران می‌توانند ساختارهای فرضی (مدل‌ها) را رد یا انطباق آنها را با داده‌ها تأیید کنند. نرم افزار مورد استفاده در این پژوهش برای این تحلیل اسمارت پی.آل. اس^۲ است. این نرم افزار مدل‌های معادلات ساختاری را که دارای چندین متغیر بوده و اثرات مستقیم، غیرمستقیم و تعاملی را شامل می‌شود، مورد تحلیل قرار می‌دهد. (Bagozzi & Fornell, 1982).

در ابتدا برای تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از روایی محتوی و روایی همگرا استفاده شد. روایی محتوی به وسیله اطمینان از سازگاری بین شاخص‌های اندازه‌گیری و ادبیات موجود ایجاد شده و این روایی توسط نظرسنجی از اساتید حاصل گشت. روایی همگرا به این اصل بر می‌گردد که شاخص‌های هر سازه با یکدیگر همبستگی میانه‌ای داشته باشند. طبق گفته فورنر و لاکر^۳ (۱۹۸۱)، معیار روایی همگرا بودن این است که میانگین واریانس‌های خروجی بیشتر از ۰/۵ باشد (Choua & Chen, 2009). همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی ابزار از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها می‌بایست حداقل مقدار ۰/۷ بیشتر باشد. پایایی مرکب بر خلاف آلفای کرونباخ که به طور ضمنی فرض می‌کند هر شاخص وزن یکسانی دارد، متکی بر بارهای عاملی حقیقی هر سازه است، بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می‌دهد. پایایی مرکب نیز باید مقداری بیش از ۰/۷ را به دست آورد تا بیانگر ثبات درونی سازه باشد (Fornell & Larcker, 1981). در جدول ۱ نتایج پایایی و روایی ابزار سنجش به طور کامل آورده شده است.

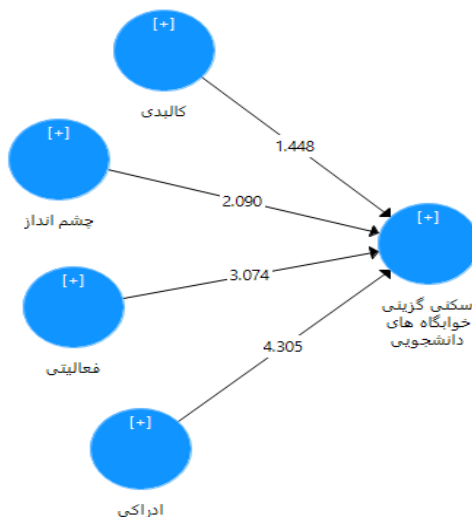
جدول ۲: روایی همگرا و پایایی ابزار اندازه‌گیری

متغیر	واریانس استخراج شده (AVE)	پایایی مرکب (CR)	ضریب آلفای کرونباخ
کالبدی	۰.۵۲۹	۰.۸۳۷	۰.۷۹۵
چشم انداز	۰.۶۰۳	۰.۸۵۶	۰.۸۱۲
فعالیتی	۰.۴۸۵	۰.۸۶۱	۰.۸۲۰
ادراکی	۰.۵۲۸	۰.۹۱۶	۰.۹۰۰
سکنی گزینی	۰.۶۷۶	۰.۸۶۰	۰.۷۵۷

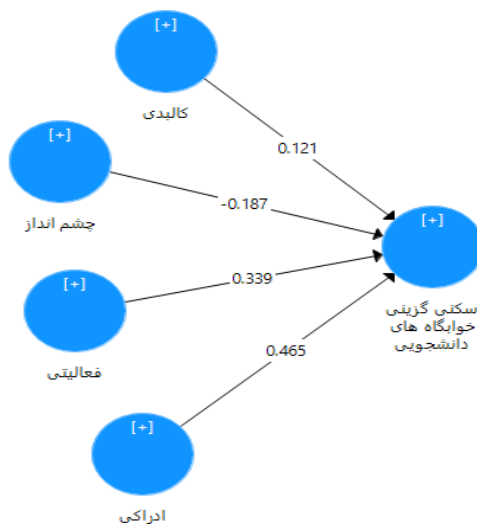
بر اساس مطالب عنوان شد و نتایج به دست آمده ابزار و مدل اندازه‌گیری پژوهش از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بوده است. در ادامه جهت آزمون فرضیه‌ها و سنجش معنادار بودن روابط متغیرها در مدل ساختاری از آماره تی (t-value) استفاده شد که در نرم افزار پی.آل.

اس با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار^۴ به دست می‌آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). آماره t معنی‌دار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد به طوری که مقادیر بیشتر از $1/96$ حاکی از معنادار بودن رابطه بین متغیرها دارد. همچنین جهت سنجش شدت این رابطه‌ها می‌بایست از ضرایب مسیر استفاده شود. (Chin, 2003) نمودارهای ۱ و ۲ به ترتیب نتایج آزمون t و ضرایب ساختاری مدل را نشان می‌دهد.

دیاگرام ۴: نتایج آزمون t



دیاگرام ۵: ضرایب ساختاری مدل



مطابق نمودار ۱ و مقدار آماره t $2/090$ ، $3/074$ و $4/035$ برای ۳ شاخص چشم‌انداز، فعالیتی و ادراکی معناداری رابطه این شاخص‌ها با سکنی‌گزینی در نمونه مورد مطالعه اثبات شد. مقدار ضریب مسیر $0/465$ شاخص ادراکی نیز حاکی از رابطه قویتر بین این شاخص با سکنی‌گزینی در نمونه مورد مطالعه داشته است. پس از آن نیز شاخص فعالیتی با ضریب مسیر $0/339$ تأثیر بسزایی در ارتقا سکنی‌گزینی خوابگاه دانشجویی داشته است. از طرف دیگر با توجه به مقدار پایین و منفی بودن ضریب مسیر شاخص چشم‌انداز، رابطه ضعیف و معکوس این شاخص با سکنی‌گزینی در نمونه مورد مطالعه اثبات شد. مقدار t پایین‌تر از $1/96$ برای شاخص کالبدی از عدم تأثیرگذاری این شاخص بر سکنی‌گزینی نمونه مورد مطالعه حکایت دارد.

در نهایت برای اندازه گیری برازش مدل ساختاری از Q^2 شاخص Q^2 و R^2 استفاده شد. شاخص Q^2 که توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. به اعتقاد آنها مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار $0/۱۵$ ، $0/۲$ و $0/۳۵$ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. برای محاسبه شاخص Q^2 از تکنیک بلائیند فولدینگ استفاده می‌شود. همان طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، تمامی شاخصها دارای مقادیر Q^2 بیشتر از $0/۲$ بوده و این نشان دهنده قدرت پیش بینی متوسط به بالای مدل پژوهش بوده است. معیار ضروری برای سنجش الگوی ساختاری ضریب تعیین (R^2) متغیرهای مکنون وابسته است. چین (۱۹۹۸) اندازه R^2 $0/۱۹$ و $0/۳۳$ و $0/۶۷$ در الگوی مسیر PLS را به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف نموده است؛ و مقدار R^2 که نشان‌دهنده توانایی مدل در توصیف سازه است، برابر با مقدار قابل توجه $0/۵۵۸$ به دست آمد. در نهایت این نتایج نشان‌دهنده آن است که مدل ارائه شده از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۳. برازش مدل ساختاری

متغیر	Q^2	R^2
کالبدی	$0/۲۵۲$	-
چشم انداز	$0/۳۱۷$	-
فعالیتی	$0/۲۵۲$	-
ادراکی	$0/۳۴۹$	-
سکنی‌گزینی	$0/۳۶۶$	$0/۵۵۸$

نتیجه گیری

طبق مطالعات و تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش و با بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل شد که وضعیت خوابگاه‌های دانشگاه آزاد همدان به لحاظ سکنی‌گزینی برای دانشجویان در بیشتر مؤلفه‌ها ضعیف است. افراد مکان را براساس جبر و شرایط تحمل کرده و به دلیل عدم احساس رضایت و عدم احساس تعلق نسبت به مشکلات و مسائل رفتاری بی تفاوت داشته و حتی در خصوص نظافت در محدوده و قلمرو خود نیز هیچگونه احساس مسئولیتی ندارند. این مکعب‌های برآمده از دل زمین نه تنها هیچگونه جذابیت مکانی برای افراد فراهم نمی‌کنند، بلکه معیارهای اولیه زیباشناسی و دعوت کنندگی را نیز رعایت نکرده‌اند. از آنجا که در مدت زمان اقامت و تحصیل دانشجویان بیشترین زمان خود را در این مکانها سپری می‌کنند و برنامه‌هایی نیز که گاه برگزار می‌شود، کیفیت لازم را در سطح رده سنی و ویژگی تنوع طلبی که لازمه سن این افراد است را ندارد، برای گذران اوقات ناچار به پرداخت هزینه‌های بالای روزانه جهت رفت و آمد به مرکز شهر هستند. در این مجموعه نیاز به محیطی برای ورزش و انجام فعالیت‌های جسمی از مسائل مهم بوده و سبب به وجود آمدن جوی پر نشاط برای مجموعه خواهد شد.

این مجموعه به لحاظ طراحی کالبدی نیز مشکلاتی را برای افراد به همراه دارد، قرارگیری پنجره‌ها در سطح نما در طی زمان نیاز به محصور شدن را ایجاد کرده و برطرف کردن این نیاز (محصور شدن) به بروز مشکلات دیگر انجامیده است، قرارگیری صفحه‌هایی مشجر با فاصله ۲۰ سانتیمتری پنجره اصلی امکان گردش هوای تازه و همچنین ارتباط بصری با فضای خارج را به طور کامل از میان برده است. عدم ارتباط بصری با محیط خارج در بوجود آمدن احساس حبس و انزوا از دنیای خارج را به همراه دارد که در شرایط اقامت طولانی مدت آسیب جدی در روحیه افراد به جا گذاشته و جوانانی که روحیه سرشار از هیاهو هستند برای فرار از این حس افسردگی و برای فرار از محیط مجبور به سرپیچی از قوانین عبور و مرور وضع شده، می‌شوند. در صورتی که قرار دادن بازشوهای پنجره در عمق و یا ایجاد زاویه در محل قرارگیری پنجره‌ها می‌توانست معضل دید مزاحم را حل کرده و در بهبود وضعیت تهویه و برقراری ارتباط بصری کمک بسیاری کند.

در میزان کارایی کالبدی با طراحی سیستم خطی برای خوابگاه‌ها مشکلات فراوانی وجود دارد. این سیستم اگرچه به لحاظ ساخت با صرف هزینه و زمان کم همراه است اما در عمل با کارایی ضعیف نیاز به پشتیبانی زیاد و صرف هزینه‌های جانبی متعدد دارد. قرارگیری اتاق‌ها در جداره و فضای نشیمن در مرکز بنا و عدم وجود نورگیری طبیعی، سبب بهره‌گیری از روشنایی مصنوعی در تمام ساعات شب و روز شده است.

راهروی مرکزی که تمام فضاها حول آنها چیده شده و دسترسی میان فضاها را فراهم می‌کند، دارای پنجره‌هایی است که طی فرآیند تغییر سیستم قاب پنجره‌ها از آلومینیوم ریلی به یو پی وی سی؛ بازشوها به حالت ثابت تبدیل شده و در فصول مختلف سال باعث شده که تهویه فضای داخلی راهرو غیرممکن شده و در زمانی که سیستم گرمایش روشن است، دمای این فضا تقریباً غیرقابل تحمل می‌شود و اعتراض افراد مسبب بازگذاشتن درب ورودی شده و همین امر موجب هدر رفتن انرژی و از کنترل خارج شدن محیط می‌شود. قرارگیری اتاقها در اطراف راهرو، شرایطی را ایجاد کرده که برخی اتاقها همواره در معرض نور خورشید و برخی دیگر همواره در نور شمال است؛ فضای راهرو همواره با نور مصنوعی تغذیه می‌شود. در صورتی که اگر سیستم طراحی از حالت خطی به سیستم شعاعی یا مرکزی تبدیل شود، چیدمان شعاعی اتاقها باعث می‌شود که همه فضاها در معرض نور قرار می‌گیرد و این سیستم یک فضای مرکزی ایجاد می‌کند که برای فعالیت و تحرک دانشجویان بدون دید مزاحم بسیار مناسب است، چرا که افراد در طول روز نیاز به بهره‌گیری از نور نیز دارند اما در شرایط کنونی هیچگونه امکان استفاده نیست. مقدار اندک فضای باز در مجاورت بناها نیز به دلیل عدم محصوریت مناسب امکان استفاده را برای دانشجویان ندارد و یا در مدت زمان محدود قابلیت استفاده را دارد.

نکات ذکر شده در پژوهش مشکلات غالب در فضاهای خوابگاه است؛ و با توجه به اینکه این فضاها اقامتگاه افرادی است که در آینده بخش اعظمی از ساختار جامعه را به عهده‌دارند، چه در قالب افراد شاغل و چه افرادی که مسئولیت خانواده را عهده‌دار هستند؛ بهتر است با بهبود شرایط و وضعیت محیطی از بسیاری مسائل و کمبودهای محیطی کاسته شود تا افرادی با شرایط روانی و روحی سالم‌تر و مشتاق‌تر برای حرکت در مسیر علم پرورش پیدا کنند.

پی‌نوشت

1. میانگین مورد انتظار هر گوی در این پرسشنامه ۳ است زیرا $5 = 3 + 4 + 5 \div 3 + 4 + 5$
2. Smart PLS
3. Fornell & Larcker
4. Bootstrapping

فهرست منابع

- امامی سیگارودی، ع.، دهقان نیری، ن.، و رهنورد، ز.، و نوری سعید، ع. (۱۳۹۱)، روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، پرستاری و مامایی جامع‌نگر، سال ۲۲، شماره ۶۸، پاییز و زمستان ۹۱، صص ۵۶-۶۳.
- بهزاد، د. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقاء سلامت روانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۲، شماره ۶.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. ترجمه و تفسیر لغوی و ادبی غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- سعیدی، ع. (۱۳۸۷). مطالعه الگوهای فراغتی دانشجویان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صافیان، م. و انصاری، م. (۱۳۹۳)، مقاله بررسی شرایط امکان تحقق حقیقت مکان و سکنی‌گزیدن، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های هستی‌شناختی، سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۵۷-۷۶.
- طاهری، ج. (۱۳۹۲)، مقاله بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۴، پاییز و زمستان ۹۲.
- عبداللهی، ع. و جوان، ج. (۱۳۸۹)، کتاب دوم/درآمدی بر فلسفه علم و پژوهش در علوم انسانی، انتشارات: تهران: چاپار، ص ۱۸۸.
- علاقه‌مند، س.، صالحی، س. و مظفر، ف. (۱۳۹۶)، مقاله تطبیقی معماری و محتوای مدارس ایران از دوره سنتی تا نوین، مجله باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۴۹، تیر ۱۳۹۶، صص ۵-۱۸.
- قبدیان، ف. و کامل‌نیا، ح. (۱۳۹۵)، مقاله تعاملات بینا فرهنگی و پایداری معماری چند فرهنگی در طراحی خوابگاه‌های دانشگاهی؛ در خوابگاه‌های کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری شهرسازی، ۱۵ و ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۵، تهران، صص ۱-۱۵.
- قریشی بنایی، س.ع. (۱۳۷۱)، قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمودی راد، م. و آراسته، ح. (۱۳۸۳)، خوابگاه‌های دانشجویی به‌مثابه جوامعی برای یادگیری، مجله طب و تزکیه، شماره ۹.
- مسعودی، ا. و محمدی، م. (۱۳۸۵)، بررسی اثر محل سکونت و جنسیت بر ادراکات و عملکرد تحصیلی دانشجویان مهندسی و علوم پایه دانشگاه شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز.
- معتضدیان، ف. و مطلبی، ق. (۱۳۹۱)، مقاله قلمروپایی در سکونتگاه‌های دانشجویی (مطالعه موردی: خوابگاه فاطمیه کوی دانشگاه تهران)، مجله هویت شهر، شماره ۱۷، سال ۸، بهار ۱۳۹۳، صص ۵۵-۶۴.

- نظریور، م.ت.، سعادت‌ی وقار، پ و حیدری، ا. (۱۳۹۴)، مقاله بهبود کالبد سکونتگاه‌های دانشجویی در جهت افزایش اجتماع‌پذیری با تکیه بر روش نحو فضا، نمونه موردی: خوابگاه دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۴۷-۲۶۵.
- نظریور، م.ت. (۱۳۹۲)، پایان‌نامه دکتری با عنوان: سکنی‌گزینی دانشجویان؛ تأثیر فضای کالبدی خوابگاه دانشجویی بر سلامت عمومی دانشجویان، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، دی‌ماه ۱۳۹۲.
- نعمتی، م.ع و کرمی پور، م. (۱۳۹۳). مقاله بررسی چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی به جوامع کوچک یادگیری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی و مدیریت آموزشی، سال ۱، پاییز ۱۳۹۳، صص ۶۷-۹۶.
- یعقوبی سنقرچی، م. و اسلامی، س.غ. (۱۳۹۴)، مقاله خودشناسی؛ رهاورد تجربه سکنی‌گزینی در کلاس طراحی معماری، مجله هویت شهر، شماره ۲۹، سال ۱۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۶۷-۷۸.
- Bag ozzi, R. P., & Fornell, C. (1982). Theoretical concepts, measurements, and meaning. In Fornell, C. (Ed.) A second generation of multivariate analysis (24-38). Vol. 1. New York. NY.: Praeger.
- Chi n, W. W. (2003). Issues and opinions on structural equation modeling. MIS Quarterly, 22(1), 7-16.
- Cho ua, Sh. W., & Chen, P. Y. (2009). The influence of individual differences on continuance intentions of enterprise resource planning (ERP). Int. J. Human Computer Studies, 67(6), 484-496.
- For nell, C., & Larcker, D. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. Journal of Marketing Research, 18(1), 39-50.
- system on brand The impact of the brand management Lee, J., Park, S., Baek, I., & Lee, C. (2008). Marketing Management, 37(7), 848-855. performance in B-B and B-C environments. Industrial